

پیامدها و دستاوردهای حکومت امام علی (ع)

علی اکبر امینی*

فرزانه دشتی**

چکیده

پس از حکومت نبوی حکومت امام علی (ع) است که به‌رغم مدت زمان کوتاهش پیامدها و آثار فراوانی را برای جامعه بشری به‌همراه داشته است. رفتار و نگرش سیاسی ایشان به‌گونه‌ای بوده است که نه‌فقط برای مسلمانان بلکه برای تمام دوره‌ها و حکومت‌ها به‌مثابه الگویی به‌کار گرفته می‌شود تا بشر به‌واسطه آن مسیر سعادت و خوش‌بختی را طی کند. رفتارها و ویژگی‌هایی مانند صراحت، پاسخ‌گویی و حساب‌پس‌دهی، حاکمیت عامه، عدالت و برابری، انتخابات آزاد، شایسته‌سالاری، و حاکمیت قانون، که امروزه مورد توجه بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی قرار گرفته‌اند، در اندیشه سیاسی و حکومت آن امام جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. بنابراین، با توجه به اهمیت این مسئله، ضرورت بازنگری در اندیشه‌های امام علی (ع)، با توجه به نگرش الهی و انسان‌مدارانه آن حضرت احساس می‌شود؛ چراکه حکومت علوی در طی مدت کوتاه خویش، همه آن‌چه را بر عهده گرفته بود، محقق ساخت. ما می‌کوشیم که با درک آثار و پیامدهای حکومت امام علی (ع) فضای مناسب‌تری را برای رشد و بالندگی آحاد مردم در جامعه ترسیم و فراهم کنیم.

کلیدواژه‌ها: مشارکت عامه، مشارکت و نقش زنان در حکومت، پاسخ‌گویی و حساب‌پس‌دهی صریح، عدالت‌گستری، محک‌زنی.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) aliakbaramini@ymail.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی farzanehdashti30@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۹

۱. مقدمه

حکومت از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که انسان‌ها فراخور سیر تکامل نظرها و اندیشه‌های خویش، اشکال گوناگونی از آن را تشکیل داده و توسعه و تکامل بخشیده‌اند. پس از حکمرانی و حکومت در دوره کوتاه پیامبر اکرم (ص)، حکومت حضرت علی (ع) شروع می‌شود، که به‌رغم کوتاهی زمانش، بیش‌ترین دستاوردها و پیامدها را در زمینه تحقق عدالت اجتماعی به جامعه بشری عرضه داشته است. نهج‌البلاغه از پرمایه‌ترین متون ادبی به‌جامانده برای بازسازی سنت الهی در زمین است و به‌جرئت می‌توان گفت این سخنان گوهر بار حضرت در نهج‌البلاغه به‌مثابه مبنای بازپردازی نظری حکومتی عدالت‌محور و حق‌مدار است. در اندیشه سیاسی آن حضرت قدرت و حکومت زمانی اهمیت و ارزش پیدا می‌کنند که در جهت خدمت به اهداف عالی بشری به‌کار گرفته شوند. حکومت در نظر ایشان امانتی الهی است که زمام‌دار باید در حفظ و نگهداری آن کوشا باشد. دوره موفق حکومت ایشان الگوی خوبی برای مسلمانان است تا با الهام از آن بتوان مسیر تعالی و سعادت بشری را مشخص و طی کرد.

نگرش انسانی ایشان در حکومتشان به رفتار و عملکرد سیاسی خاصی منجر شده است، تا جایی که بشر تا به امروز از تکرار آن ناتوان بوده است. به بیانی دیگر، با وجود دشواری‌هایی که بر سر راه آن حضرت در احیای حکومت بوده است، نحوه عملکرد سیاسی‌شان موجب شده است تا دستاوردها و پیامدهایی را برای همه جوامع و حکومت‌ها به عنوان مبنای عملکردشان به بار آورد و اصلی پذیرفته‌شده واقع شود تا از طریق آن راه سعادت و خوش‌بختی انسان‌ها برای رسیدن به جامعه‌ای عادل طی شود.

در نظر ایشان حکومت حق‌مدار و عدالت‌محور در واقع حکومت قانون است و جامعه‌ای را اداره می‌کند که تماماً متعلق به خداست و حاکمیتش از آن اوست که آن را نزد انسان به امانت گذارده و در اختیار همگان قرار می‌گیرد. در واقع، حکومت تماماً متعلق به مردم است. همه‌چیز به تساوی و عادلانه تقسیم می‌شود، از ثروت گرفته تا فرصت‌های ایجادشده در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و ...

این مقاله با هدف دستیابی و پاسخ‌گویی به این سؤال مهم تنظیم شده است که، مهم‌ترین دستاوردها و پیامدهای حکومت کوتاه امام علی (ع) برای عامه مردم کدامند؟ و این که آیا این دستاوردها و پیامدها همچنان قابل ارزیابی‌اند؟

۲. جامعه و نیاز به حکومت

تشکیل حکومت در جامعه از موضوعات بسیار مهم و اساسی است. نیاز جامعه به نظم و تأمین امنیت از بدیهیات و ضروریات است و بر هیچ‌کس پوشیده نیست که ترقی و تکامل ثمره‌ای شیرین از قاعده‌مندی و قانون‌مداری اجتماعی است. بنابراین بقای جامعه به حکومت بستگی دارد. زندگی اجتماعی انسان و مطرح شدن مالکیت و تضاد منافع بین افراد سبب می‌شود که انسان برای بقای خویش و جامعه‌اش قوانین و مقرراتی وضع کند. این قوانین و مقررات زمانی قابل اجراست که در جامعه حکومت و حاکمیتی برقرار باشد. بنابراین، بر اساس پژوهش محققان، تشکیل دولت و حکومت ضرورتی اجتماعی است.

ابن خلدون دربارهٔ ضرورت حکومت می‌گوید: «زندگی بدون حکومت پایدار نخواهد ماند، لذا عامل تکوین و پیدایش حکومت نیاز طبیعی انسان است» (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۷).

ژان ژاک روسو نیز بیان می‌دارد: «حکومت واسطه‌ای است بین رعایا و هیئت حاکمه که آن‌ها را به یک‌دیگر مرتبط می‌سازد و اجرای قوانین و حفظ آزادی‌های مدنی و سیاسی را بر عهده دارد» (جونز، ۱۳۶۲: ۳۸۹).

ارسطو دربارهٔ برقراری حکومت می‌گوید: «حکومت لازمهٔ طبیعت بشری است، زیرا انسان موجودی اجتماعی است و بدون حکومت نمی‌تواند اجتماعی بودن خود را حفظ کند» (ارسطو، بی‌تا: ۹۶).

امام علی (ع) در برخورد با خوارج زمانی که شعار «لا حکم الا لله» را مطرح می‌کردند، فرمود:

... این سخن حق است که از آن باطل اراده شده است. بلی حکمی نیست مگر از آن خدا، ولی اینان می‌گویند: زمام‌داری و ریاست نیست مگر از آن خدا. وجود حاکم و زمام‌داری برای مردم ضروری است، چه حاکم بد و چه حاکم نیکوکار. حال اگر زمام‌دار بدکار و منحرف باشد، شخص با ایمان در زمام‌داری او عمل صالح خود را انجام می‌دهد و شخص کافر برای دنیایش برخوردار می‌گردد، تا روزگار زندگی مؤمن و کافر (روزگار یا زمام‌داری بدکار و منحرف) سپری شود و خداوند به وسیلهٔ زمام‌دار منحرف غنائم را جمع و به وسیلهٔ او جهاد با دشمن را به راه می‌اندازد و راه‌ها به وسیلهٔ او امن می‌گردد و به وسیلهٔ او حق ضعیف از قوی گرفته می‌شود، تا نیکوکار راحت شود و مردم از شر تبهکار در امان باشند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰: خطبهٔ ۴۰).

با توجه به سخنان ایشان نکات زیر درخور توجه است:

۱. داشتن زمام‌دار و حکومت ضرورتی اجتماعی است؛

۲. وجود زمام‌دار، چه نیکوکار و چه بدکار، به دلیل برقراری نظم و امنیت در جامعه ضروری است؛
 ۳. در سایه وجود زمام‌دار شخص کافر به دنیای خود می‌پردازد و شخص صالح به عمل خیر خود مشغول است؛
 ۴. زمام‌دار و حکومت موجب می‌شوند که ظالم متعرض مظلوم نشود و حق ضعیف از ظالم گرفته شود؛
 ۵. حکومت و زمام‌دار موجب بقای جامعه می‌شوند؛
 ۶. امر خداوند متعال به وسیله زمام‌دار صالح در جامعه اعمال می‌شود (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۹).
- بنابراین از دیدگاه امام علی (ع) حاکمیت و نظم سیاسی نه فقط لازم که امری ضروری است؛ زیرا در دیدگاه و فرهنگ علوی برقراری حکومت در جامعه انسانی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن جامعه و به تبع آن رسیدن انسان به کمال و تعالی است و آنچه برای انسان اصالت دارد، کمال جاویدان است؛ حکومت وسیله مناسبی برای نیل به این هدف است، زیرا هم امکانات این رشد و تعالی را به گونه‌ای جامع در اختیار دارد و هم می‌تواند زمینه استفاده از هر نوع امکانی را فراهم سازد.
- از تعبیر حضرت علی (ع) این گونه برمی‌آید که، حکومت وقتی می‌تواند مسیر رسیدن به کمال را نشان دهد که خود در مسیر عدالت، تحقق امنیت، تأمین رفاه و زمینه‌سازی تربیت انسانی گام بردارد. در غیر این صورت، نه فقط وسیله‌ای برای نیل جامعه به سوی اهداف عالی نیست، بلکه به مانعی بزرگ برای رشد بشر تبدیل می‌شود.
- از دیدگاه نهج‌البلاغه، عدالت، امنیت، رفاه و آسایش، و تربیت مهم‌ترین اهداف حکومت به‌شمار می‌روند.

۳. آثار و پیامدهای حکومت امام علی (ع)

نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم مهم‌ترین اثری است که راه و رسم زندگی را در ابعاد فردی، اجتماعی و به‌ویژه در عرصه سیاست و حکومت نشان می‌دهد. مهم‌تر آن‌که سیاست و حکومت که عرصه‌ای پیچیده و دشوار است، نیازمند نمونه‌ای عالی است تا در فرایندی مقایسه‌ای - تطبیقی بتوان عملکردها را با آن عیار ناب سنجید و سره را از ناسره بازشناخت. بنابراین دوره زمام‌داری امام علی (ع) سرشار از آموزه‌های گران‌قدری است که می‌تواند

به‌مثابه‌ الگویی بی‌نظیر مورد توجه اندیشمندان سیاسی و فراتر از آن دولت‌مردان در عصر حاضر قرار گیرد. امام علی (ع) بین حکمت نظری و سیاست عملی رابطه‌ای ناگسستنی برقرار می‌کند و هدف از زندگی کوتاه دنیوی را مقدمه و محل آزمونی برای زندگی پایدار اخروی بیان می‌کند. لذا حکومت آن حضرت آثار و محورهای اساسی و ویژگی‌های فوق‌العاده‌ای داشته است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: ۱. آثار و پیامدهای بدیع، ۲. آثار و پیامدهای تکاملی.

۱.۳ آثار و پیامدهای بدیع

آن دسته از آثارند که بر مراتب نوآوری، اصالت، و تمایزی تأکید می‌کنند که احتمالاً فقط در رفتار حکومتی انبیا و اولیای خدا سابقه داشته است و برای اولین بار در دوره حکومت امام علی (ع) به‌گونه‌ای معرفی شده‌اند که جامعه بشری از امکان ثبت و ضبط آن‌ها برخوردار شده است. برخی از حوادث اجتماعی عبرت تاریخ می‌شوند و ریشه حکمت حکومت را سیراب می‌سازند و در لحظه لحظه آفرینش حوادث آینده زندگی بشر نقش‌آفرینی می‌کنند، چنان‌که در نقش‌آفرینی هبوط برای آدم (ع)، توفان برای نوح (ع)، آتش برای ابراهیم (ع)، نیل برای موسی (ع)، عروج برای عیسی (ع)، بعثت برای محمد (ص)، و حکومت برای علی (ع) نشانه‌ها و آیاتی استوار برای خردمندان نهفته است که تا بقای جامعه بشری باقی خواهند ماند (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۷۶، ۲۸۷).

این آثار هم‌سو با سنت نبوی را می‌توان به شرح ذیل فهرست کرد:

۱. تعیین حدود آزادی بین فرد و جامعه؛
۲. برجسته‌کردن نقش مردم؛
۳. مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان؛
۴. صراحت در برابر مردم؛
۵. سنت حساب‌پس‌دهی دولت‌مردان و کارگزاران حکومتی به مردم؛
۶. توسعه شاخص‌های محک‌زنی حکومت‌ها؛
۷. عدالت فراگیر و همه‌گیر؛
۸. افزایش امید به امکان تحقق جامعه عدل؛
۹. توجه به افکار عمومی (همان: ۲۷۶).

۲.۳ آثار و پیامدهای تکاملی

آن دسته از آثارند که مشابه چنین آثار و سنت‌هایی در روش حکومتی سایر حکمرانان وجود داشته است، اما این سنت‌ها، تا حد ممکن، در حکومت امام علی (ع) منقح و توسعه یافته شده‌اند. برخی از سنت‌های پیامبر (ص) و رفتارهای حکومتی امام علی (ع) در تأیید سنت‌های گذشته انجام شده‌اند؛ سنت‌هایی که در این دوره تکامل یافته یا مستند شده‌اند یا مورد تأکید مضاعف قرار گرفته‌اند و به نحو بهتر و شاخص‌تری به جامعه بشری معرفی شده‌اند. برای مثال و به منزله تمایز این نوع از آثار با آثار بدیع، می‌توان به پاسخ‌گویی و حساب‌پس‌دهی در برابر عامه و در سلسله‌مراتب اداری اشاره کرد. که مورد اول در حکومت ایشان بدیع و بی‌نظیر به نظر می‌رسد، در حالی که حساب‌پس‌دهی در برابر نخبگان در حکومت‌های دیگر نیز سابقه داشته و در حکومت امام با نظم خاصی بیان شده است. آثار تکاملی را می‌توان به شرح ذیل فهرست کرد:

۱. تحول ماهیت دولت در نظر عامه؛
۲. تعیین ملاک‌های شایسته‌سالاری در گزینش کارگزاران؛
۳. رویکرد سیستمی به اداره امور؛
۴. حساب‌پس‌دهی در سلسله‌مراتب اداری؛
۵. نگاه به حکومت به مثابه وسیله‌ای برای خدمت (همان: ۲۸۲-۲۸۳، ۲۸۷).

۴. تعیین حدود آزادی بین فرد و جامعه

از دیرباز تعیین حدود آزادی افراد مسئله مهمی بوده و هست. آیا صرف وجود قوانین اجتماعی برای حفظ و تضمین حریم خصوصی افراد و نیز محیط مناسب برای اظهار نظر آزاد در جامعه کافی است؟ و یا این‌که تا زمانی که فشارهای ناشی از زندگی اجتماعی در همه عرصه‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی برطرف نشده‌اند، هرگز آزادی به ساحت جامعه تسری نمی‌یابد؟

آزادی به صورت اصلی اساسی در برنامه حکومتی امام و فرمان و قانون وی، در میان مردم، تضمین شده است. ضامن آن نیروی وجدان انسان است و به اجبار عملی نمی‌شود. بنابراین، انسان اصولاً آزاد است، آزاد درک می‌کند، آزاد فکر می‌کند، آزادانه سخن می‌گوید، و آزاد کار می‌کند و مجبور ساختن آن در غیر این حدود روا و صحیح نیست.

حضرت علی (ع) معنای آزادی را در ادراک مردم توسعه داد و سعی کرد تا موانع و فشارهای ناشی از زندگی اجتماعی را در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی در مسیر تحقق آزادی حقیقی برطرف کند. لذا به موازات آن به توسعه مفهوم احساس مسئولیت پرداخت. از نظر ایشان باید احساس و درک مردم جامعه، نسبت به آزادی، آن‌چنان راهبری شود که حدی برای اصول آزادی تعیین نشود، بلکه آن‌ها را از به‌کاربردن آن به‌گونه‌ای که به دیگران ضرری برساند، باز دارد. بدین ترتیب آزادی افراد از نظر وی بی‌بندوباری نیست، بلکه این آزادی همیشه با احساس مسئولیت همراه است. برای درک آثار و علائم این مسئله، موضوعی را درباره رفتار او با مردم دهکده‌ای می‌بینیم:

مردم دهکده‌ای خواستند مجرای نهری را که خراب شده و از کار افتاده بود، لایروبی و پاک کنند. به نزد نماینده امام در دهکده‌شان آمدند و از او خواستند آنان را به این کار وادار کند. اما امام (ع) به او دستور داد آنان را مجبور به کار نکند، بلکه از آنان بخواهد به پاک‌کردن نهر اقدام کنند و در قبال آن مزدی بخواهند و سپس مزد و نهر، هر دو، از آن کسانی بشود که با کمال آزادی کار کرده‌اند و احساس کرده‌اند در کاری که انجام داده‌اند، مسئولیتی به عهده داشته‌اند. البته آنان آزاد و مختار بودند که به انجام کاری نیک پردازند، یا آن را انجام ندهند (جرداق، ۱۳۸۷: ۲۷۳-۲۷۴).

به نظر جرج جرداق گویا امام علی (ع) این عاطفه انسانی را از ده قرن پیش زنده نگه داشته است تا ژان ژاک روسو، بزرگ‌مرد فرانسوی، آن را دو قرن پیش بیان دارد:

ایمان ما به انسان و عشق ما به انسانیت دو عاملی هستند که در سرشت نیک‌خواه ما عمیق‌ترین انگیزه‌ها را به حرکت و جنبش در می‌آورند که از فردی کم‌هوش و دربند، انسانی فهمیده و آگاه بسازیم (همان: ۲۷۴).

امام علی (ع) مسئولیت ظاهری را محرک و عامل کار سودمند و عمل صالح قرار نداد، بلکه مسئولیت را به عهده خود آزادی و آزادگان گذاشت و میزان این مسئولیت را منوط به میزان آزادی شناخت.

امام، با همین بینش، قیود تنگ و زنجیرهای سنگینی را که قدرت‌ها و حکومت‌ها بر مردم نهاده بودند، برداشت؛ زیرا حکومت‌ها می‌خواستند هرچه بیش‌تر از دست‌رنج آنان بهره ببرند. مردم آن دوره آزادی نداشتند و به همین دلیل قادر به انجام‌دادن کار صحیح نبودند و «مسئولیت» در نظر آنان از افکار و احساسات آزاد، که تنها عامل کار خوب و صحیح است، سرچشمه نمی‌گرفت؛ بلکه رفتار و کردار آنان فقط به اراده و تصمیم اربابان زر و زور بستگی

داشت. از همین جا بود که تصمیم و اراده مردم در هم می‌شکست و حس انسانیت در وجودشان تضعیف می‌شد و نیروهایشان در راه صحیح به کار گرفته نمی‌شد (همان).
امام در پرتو همین نگرش اولین گام مشروعیت حکومت خود را با حضور آزادانه مردم تحقق بخشید. امام درباره بیعت با ایشان می‌فرماید:

به‌ناچار با شما بیعت کردم و مردم را به بیعت خود فرا خواندم. هرکس به میل خود بیعت کرد، از او پذیرفتم و هرکس نخواست، اکراهش نکردم و به حال خودش واگذاشتم. در میان کسانی که با من بیعت کردند، طلحه و زبیر هم بودند، اگر نمی‌خواستند بیعت کنند، من به زور وادارشان نمی‌کردم، نه آنان را و نه دیگران را (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ب: نامه ۱).

بنابراین، در اندیشه ایشان حکومت از آن مردم است و مردم حق انتخاب آزادانه حاکم را دارند و فقط زمانی مشروعیت حکومت تحقق پیدا می‌کند که حاکم با رأی مردم روی کار آمده باشد. «ای مردم این امر (حکومت)، امر شماست و هیچ‌کس جز آن‌که شما او را امیر خود گردانید، حق حکومت بر شما را ندارد» (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۴). امام هیچ‌یک از مردم را به بیعت وادار نمی‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد که در جامعه اسلامی آزادانه زندگی کنند، حتی مخالفان ایشان. امام در مواجهه با خوارج در نهایت آزادی ممکن رفتار کرد، در حالی که در رأس هرم قدرت قرار داشت و می‌توانست از ابتدا با آنان با خشونت رفتار کند، اما چنین نکرد. آنان را به زندان نیفکند، سهمیه آنان را از بیت‌المال قطع نکرد و حتی اجازه داد آزادانه به بحث در خصوص عقاید خویش پردازند و خود نیز با آنان بحث می‌کرد و مانند سایر مسلمانان با آنان رفتار می‌کرد و حقوق اجتماعی‌شان را رعایت می‌کرد (درخشه، ۱۳۷۸: ۲۲۴).

همچنین از این اصل، اصل برابری نیز به‌وضوح آشکار می‌شود. امام نگرشی انسانی و فرامذهبی نسبت به مردم داشت، تا جایی که صرفاً انسان بودن افراد در جامعه را عاملی می‌داند که باید بر مبنای آن حقوق انسانی و شهروندی آنان تأمین شود. حضرت فقط در عهدنامه مالک اشتر در سی مورد به مردم و نوع انسان اشاره می‌کند که در همه این موارد انسان‌ها فارغ از قوم و قبیله، و ملت و مذهب برابر دیده شده‌اند و هیچ‌گونه تفاوتی در ملیت، رنگ، نژاد، و صنف میان مردم آن جامعه وجود ندارد (جعفری، ۱۳۶۹: ۳۱۹).

امام در نامه خود به فرمان‌دارش در مصر می‌نویسد:

با مردم مانند حیوان درنده مباش که خوردن آن‌ها را غنیمت بشماری؛ زیرا مردم بر دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند و یا در آفرینش انسانی مانند تو. به همان اندازه که

می‌خواهی خداوند از بدی‌های تو بگذرد، با مردم خوبی کن و از بدی‌های آنان درگذر. هرگز برای کیفر نمودن کسی شادمانی مکن و از گذشت و مهربانی پشیمان مباش (جرdaq، ۱۳۸۷: ۳۱۲).

از نظر امام، آزادی عقیده حقی از حقوق مردم است، اما همان‌طور که آزادی تجزیه‌ناپذیر است، انسان هم نباید از یک جهت آزاد و از جهت دیگر محدود باشد. مسلمان، چه بخواهد و چه نخواهد، برادر مسیحی است؛ زیرا انسان، چه بخواهد و چه نخواهد، برادر انسان دیگری است و اگر آزادی شرافت‌مندانه در نزد وی حق مقدسی نبود، هیچ‌وقت پیروان راه و روش مسیح و پیروان طریق محمد را به یک نسبت ستایش نمی‌کرد (همان: ۳۱۵).

بنابراین، از منظر ایشان حکومت نه فقط باید امکان بهره‌گیری عامه مردم از آزادی‌ها و امکانات اجتماعی را در پرتو قوانین و مقررات اجتماعی تضمین کند، بلکه باید با قدرت، صلابت، و پشتکار با موانع پیش روی آزادی شهروندان برخورد کند. به دیگر سخن، انسان آزاد آفریده شده است و حق دارد که آزاد بماند، اما این امر نیازمند برخورداری از حداقل رفاه اجتماعی، امنیت و آگاهی کامل و کافی است و حکومت (جامعه) موظف است که از طریق خط مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌های لازم بر رعایت مراودات اجتماعی نظارت کند و حداقل نیاز همه افراد جامعه را برطرف کند، تا فشارهای ناشی از زندگی اجتماعی آزادی آنان را خدشه‌دار نکند. بنابراین، رابطه تنگاتنگی بین آزادی و سایر گزاره‌ها از جمله عدالت وجود دارد.

۵. برجسته‌کردن نقش عامه

به جرئت می‌توان گفت که از مهم‌ترین مجموعه روایت‌های تاریخی که از برابری کامل عامه در برابر حکومت‌ها حکایت دارد، روایت‌های مربوط به سنت نبوی و حکومت علوی است.

در نظام سیاسی اسلام به توده مردم بیش از خواص و اشراف توجه شده است. حضرت از کلیه قشرهای جامعه فارغ از هرگونه رنگ و نژاد و طبقه‌ای نام می‌برد و دولت باید در جهت مصلحت آحاد جامعه (توده ملت) گام بردارد. امام در نامه به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «همانا ستون دین و انبوه مسلمین و پشتوانه در برابر دشمنان توده امت‌اند، پس باید به آنان روی آوری و به ایشان تمایل جویی» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ الف: نامه ۵۳).

در این دو دوره تاریخی هیچ‌کس از حیث شأن انسانی بر دیگران برتری نداشت و افراد جامعه حرمتی کاملاً برابر داشتند و سستی شکل گرفت که طی آن برده‌ای از بردگان دوران جاهلی به سخن‌گوی حکومت تبدیل می‌شود و همین اوضاع و احوال تجار برده و دنیاداران را به وحشت انداخت. در آن روزگار، تجارت کنیز و برده باعث شده بود که تا مدت‌ها بردگان باور نداشتند، که بتوانند حیات انسانی داشته باشند. بردگان به تدریج آگاه و سپس آزاد شدند و سنت بردگی پس از چند قرن در جوامع اسلامی برافتاد؛ در حالی که در آمریکا و اروپا تا آستانه قرن بیستم ادامه یافت.

در حکومت علوی هرگونه تبعیض طبقاتی نفی شد و در تعریف نقش عامه حتی کودکان صاحب حق و رأی شدند؛ زیرا جامعه بزرگسال حق نداشت و مجاز نبود سرنوشت خردسالان را به تباهی بکشد و قانون به شدت حامی کودکانی بود که قبل از این هیچ شأن و منزلتی نداشتند. به‌ویژه کودکان یتیم و بی‌سرپرست شأنی مقدس یافتند که عامه مردم گنهکار مجبور بودند برای جبران خطاهای خویش به ایشان خدمت کنند. حتی در مراسم بیعت سیاسی، همگان حق حضور و بیعت داشتند، اعم از خرد و جوان و پیر، آزاد و برده، و مرد و زن.

بدین‌سان به‌رغم سابقه نظام قبیله‌گی و تأثیرگذاری سنت‌های جاهلی آن در روابط اجتماعی، برای اولین بار موجودیت و هویتی جدید و بی‌سابقه معرفی شد؛ موجودیتی به نام عامه (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۷۸-۲۷۷).

بیانات حضرت بیان‌گر نقش و جایگاه رفیع عامه مردم در روند اداره جامعه و ثبات حکومت است. در واقع وحدت و حضور عامه مردم عامل اصلی تحرک و پویایی حکومت و از طرفی اقتدار و توانایی کشور به حساب می‌آید و اساساً حکومت متعلق به مردم است. همچنین به دلیل جایگاه رفیع و برجسته مردم است که به ارتباط مستقیم حکومت با آنان توصیه و تأکید شده، چراکه نفس ارتباط نیز سبب محبت و علاقه و تفاهم بیش‌تر خواهد بود و مردم با احساس ارزش به خود احراز شخصیت می‌کنند. «مردم می‌توانند بدون واسطه درد دل‌ها و مشکلات را به سمع نظام مسئول برسانند و کانال‌های ارتباطی نمی‌توانند حقایق و واقعیت‌ها را تعریف کند» (رهبر، ۱۳۶۴: ۵۴).

به طور کلی همچون سایر نظام‌ها رعیت‌انوانی نیست که به طبقات پایین و ضعیف جامعه اطلاق شود، بلکه در این نظام آحاد مردم جایگاهی خاص دارند و هر طبقه بنا بر جایگاه خود نقش مهمی را ایفا می‌کند.

۶. مشارکت سیاسی زنان

بر مبنای دیدگاه اسلام، انسان‌ها اعم از زن و مرد هر دو حق مشارکت در امور را دارند و هیچ فرقی بین آنان نیست؛ چون در ارزش انسان، در جایگاه سرور کائنات، تفاوتی بین مرد و زن نیست و اصول انسانیت در هر دو یکی است. ملاک انسان‌ها در تفاوت بین آنان تقواست و جنسیت ملاک ارزش‌مندی در تفاوت‌گذاری نیست و از آن‌جا که روح انسان متأثر از جنسیت نبوده است، لذا مؤنث‌بودن دلیلی نیست که زن را از بسیاری از حقوق اساسی‌اش محروم کند. از آن‌جا که انسان موجودی اجتماعی است و برای تأمین نیازهایش نیازمند تعاون و مشارکت است و بدون مشارکت بسیاری از امور به مخاطره می‌افتد و مشارکت اجتماعی و سیاسی مستلزم حضور همگان اعم از زن و مرد است و این مشارکت فی‌نفسه امری مطلوب تلقی می‌شود، لذا فاعل و مشخصات جنسی در نفس عمل تأثیری ندارد.

بدین ترتیب زن هم در جایگاه انسان حق مشارکت سیاسی دارد و هم‌سان با مرد واجد تمام موقعیت‌ها برای مشارکت سیاسی است. بنابراین، باید زنان در کنار مردان در همه امور در جهت تعالی و استیلائی جامعه خود گام بردارند و به همان اندازه اثرگذار باشند.

به نظر می‌رسد که در حکومت امام علی (ع) اولین بار بود که، پس از سنت نبوی، زنان در شأن انسانی خود، همانند مردان، عهده‌دار بیعت سیاسی شدند. قبل از این و حتی تا قرن‌ها پس از این، در تمدن‌های دیگر که دعوی دموکراسی داشتند، صرفاً مردان اشراف جامعه حق رأی داشتند و حتی سپاهیان از حق دخالت قانونی در امور کشور محروم بودند. نقش سیاسی زنان جز به‌مثابه زینت اشراف و سلاطین، در جایگاه «همسر شاه» یا «همسر امپراتور» یا نظایر آن، در تاریخ جهان ناشناخته مانده است و هیچ‌گاه قبل از پیامبر اسلام دیده نشده است که زنی حق رأی داشته باشد (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۷۸).

امام درباره بیعت مردم با آن حضرت می‌فرماید:

آن‌چنان مردم در بیعت من خشنود بودند که خردسالان شادمان و پیران برای بیعت‌کردن لزان به راه افتادند و بیماران بر دوش خویشان سوار و دختران جوان بی‌نقاب به صحنه آمدند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ ب: خطبه ۲۲۹).

مشاهده می‌شود که در بیعت با امام (ع) بانوان، بدون آن‌که فراخوانده شوند، با کودکان به سوی امام علی (ع) می‌شتابند و نقاب از چهره برمی‌گیرند و امور جامعه خویش را

آگاهانه و مشتاقانه به او می‌سپارند. این نوع انتخاب حاکی از دو گونه آگاهی است: اول، آگاهی زنان از این‌که در این دوره می‌توانند، مانند دوره حکومت نبوی، بدون نگرانی از ظهور تعصب جاهلی و با اطمینان از حمایت قاطع و پدرانۀ امام و در پرتو هدایت او و بدون مانع مشارکت سیاسی داشته باشند؛ دوم، گویا فقط او را درخور انتخابی می‌دانند که حقوق سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی آنان را تضمین می‌کند، به طوری که به نظر می‌رسد بیعت با امام (ع) آنان را به حق حیات اجتماعی خویش می‌رساند (پورعزت، ۱۳۸۷: ۶۷).

هنگام جنگ جمل حداقل چهل جنگاور زن در میان سپاهیان حکومت نوپای امام علی (ع) حضور داشتند که با صلابت و مدبرانه توانستند عایشه را، پس از شکست اهل جمل، تا مدینه بدرقه کنند، در حالی که هیچ ناظری نمی‌پنداشت که این جنگاوران زن هستند (همان: ۲۷۹).

۷. صراحت در برابر عامه

مشورت با مردم، توجه به آنان، پنهان‌کاری نکردن، و شفاف‌سازی در هر حکومتی بسیار مهم است. همچنان که حسن ظن حاکم درباره مردم مورد تأکید است و زمینه ارتباط پایدار مردم و حاکم را فراهم می‌سازد و مصائب و مشکلات را کاهش می‌دهد. امام علی نیز در اداره امور کشور با مردم مشورت می‌کرد و از نظرهای مشورتی آنان بهره می‌برد و همواره به زمام‌داران خود توصیه می‌کرد که از این فرصت نهایت بهره را ببرند.

طه حسین می‌گوید:

علی امور یارانش را در برابر خود ایشان می‌سنجید و هرگز استبداد رأی نداشت، بلکه در بزرگ و کوچک کارها با ایشان رأی می‌زد. چه بسا که نظری می‌داد و آنان نمی‌پذیرفتند و ناچارشان می‌کرد که نظر ایشان را روان کند و رأی خود را برای خویش نگاه دارد و همین بود که مردم را بر او برمی‌انگیخت و به طمعشان می‌انداخت (طه حسین، ۱۳۳۲: ۱۸۲).

در این حکومت به شدت تأکید می‌شود که حاکم موظف است همه‌چیز را درباره احوال حکومت، به جز اخبار جنگ، با عامه در میان بگذارد؛ یعنی به جز مواردی که فاش کردن یک سر به شکست سپاه و ناامنی در میان عامۀ مردم منجر می‌شود، حکومت باید همه اسرار کارگزاران خود (جز مسائل شخصی آنان) را برملا سازد. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «آگاه باشید، حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را بر شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع بدون مشورت با شما انجام ندهم» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ الف):

نامه ۵۰). از منظر ایشان حکومت حق‌محور عرصه پنهان‌کاری و بازی‌های سیاسی نیست. حکومت برای اداره بهتر امور، کارگزار خاطی را به مردم معرفی می‌کند و در معرض قضاوت صریح مردم قرار می‌دهد تا احتمال خطا کاهش یابد و اعتماد مردم به حکومت و کارگزاران حکومت بیش‌تر شود.

۸. سنت حساب‌پس‌دهی و پاسخ‌گویی دولت‌مردان در برابر عامه

از آن‌جا که مردم همواره در تشکیل دولت و حکومت نقش مهمی ایفا می‌کنند و اساساً حکومت برای آنان شکل می‌گیرد و قدرت زمام‌داران برتافته از مردم است، مردم این حق را دارند که دولت‌مردان خود را بازخواست کنند و در حیطه وظایف و عملکردشان از آنان سؤال کنند.

استمرار مشارکت آگاهانه مردم در امور اداری جامعه هنگامی امکان‌پذیر است که حکومت در همه حال خود را موظف به پاسخ‌گویی و حساب‌پس‌دهی به عامه مردم بداند. در واقع، اگر رابطه عامه و حکومت، پس از انتخاب حاکم، قطع شود و حاکم خود را موظف به حساب‌پس‌دهی نداند، هیچ تضمینی برای حفظ سلامت جامعه وجود نخواهد داشت و همواره احتمال دارد که حکومت طریق خودرأیی و استبداد را پیش گیرد. به بیانی دیگر، اگر حکومت‌ها پس از تأسیس و استقرار کنترل نشوند، ممکن است که در سرایشی انحطاط و تخطی از اصول اخلاقی سرنگون شوند. لذا حکومت باید در برابر مردم پاسخ‌گو و مسئول باشد و عامه مردم بتوانند از آن حساب پس گیرند (پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۹۴).

امام علی (ع) حق استیضاح زمام‌داران از حقوق مردم را برمی‌شمرد:

ای مالک، بدان که تو را به بلادی فرستاده‌ایم که پیش از تو دولت‌ها دیده، برخی دادگر و برخی ستمگر؛ و مردم در کارهای تو به همان چشم می‌نگرند که تو در کارهای والیان پیش از خود می‌نگری و درباره تو همان گویند که تو درباره آنان می‌گویی (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ الف: نامه ۵۳).

... و تو باید در این‌باره چنان باشی که حسن ظن رعیت برای تو فراهم آید؛ زیرا حسن ظن آنان رنج بسیاری را از تو دور می‌سازد ... (همان).

با مردم چنان باش که در روز حساب که خدا را دیدار می‌کنی، عذرت پذیرفته آید که گروه ناتوانان و بینوایان به عدالت تو نیازمندتر از دیگرانند و چنان باش که برای یک یک آنان در پیش‌گاه خداوندی، در ادای حق ایشان، بتوانی عذری داشته باشی ... در

برابرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران و نگهبانان و پاسبانان به یکسو شوند تا سخن گویشان بی هراس و بی لکنت زبان سخن خویش بگویند (همان).

تا قبل از این کجا دیده شده است که حاکمی وفادارترین سردارانش را چنان به حساب بکشد که برخی از ترس به دشمن بپیوندند و خود عامل فتنه شوند. به نظر می‌رسد این مسئله از ابداعات حکومت امام است و خود این موضوع علاوه بر رفع بدگمانی شهروندان، باعث کاهش میزان و امکان خطا و اشتباه در قضاوت شده است و در ضمن آثار مثبت دیگری مانند خوگرفتن حاکم با عدالت، مدارا کردن با مردم، و به‌حق درآوردن مردم را به همراه دارد.

۹. توسعه شاخص‌های محک‌زنی حکومت‌ها

برای سنجش و محک‌زنی هرچیز شاخصی از همان جنس به‌منزله نمونه برتر یا الگو ضرورت دارد؛ به طوری که بتوان مختصات آن را به‌مثابه شاخص وضع مطلوب، مبنای مقایسه با نمونه‌های موجود قرار داد. حکومت امام علی (ع) را می‌توان مبنایی برای مقایسه عملکرد سایر حکومت‌ها در نظر گرفت؛ زیرا این حکومت در بدترین وضعیت مفروض تاریخی و هنگامهٔ حملهٔ پایپی و گاهی هم‌زمان و توأمان سپاهیان زر و زور و تزویر و درگیری در جنگ‌های خانمان‌سوز، چنان به اصول خود پای‌بند ماند که خاطرهٔ عمر کوتاه آن در اذهان مخاطبان آشنا شاخصی برای حکومت عدل و انصاف تلقی می‌شود. بدین ترتیب داعیهٔ امکان‌ناپذیری تحقق شهر عدل مردود شد. حجتی بر تمام صاحبان قدرت حکمرانی در تاریخ بشر اقامه شد که می‌توان حکومت کرد و به عدل پای‌بند ماند، در برابر زیاده‌خواهی اشراف مقاومت کرد، مردم را در امور مشارکت داد، و سیستمی شایسته‌سالار برقرار کرد. از این رو، می‌توان گفت که حکومت امام علی (ع) به شاخص، معیار، و فرقان حق از باطل در عرصهٔ حکمرانی تبدیل شده است (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۸۰-۲۸۱).

۱۰. عدالت فراگیر و همه‌گیر

برقراری عدالت و قراردادن هرچیز در جایگاه خود در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی از نکات کانونی و محوری اندیشه و عمل سیاسی در دورهٔ زمامداری امام علی (ع) است. ملاک سیاست و هدف اصلی و غایی حکومت برقراری و گسترش عدالت است.

در تاریخ تلاش‌های زیادی به نام عدالت ثبت شده است، اما به‌ندرت نهضتی دیده شده است که عدالت آن فراگیر باشد و همه نوع عدالت را در همه عرصه‌ها شامل شود و به‌ندرت دیده شده است که عدالت آن همه‌گیر باشد و همه آحاد جامعه را دربر گیرد. گاهی عدالت صرفاً در توزیع فرصت‌های اقتصادی بوده است. مثلاً ادعای عدالت‌گستری انوشیروان، در صورت صحت هم، فقط توجیه‌کننده عدالت اقتصادی است، زیرا در نظام طبقاتی ساسانی فرض وجود عدالت در عرصه فرهنگی و توزیع فرصت آموزش همگانی و عدالت سیاسی و مشارکت عمومی در اداره جامعه منتفی است. گاهی نیز فقط برخی از مصادیق انسانی مد نظر عدالت‌خواهان بوده است. مثلاً در نهضت عدالت‌خواهی مزدک زنان به‌هیچ‌وجه در شأن انسانی خود مد نظر قرار نمی‌گرفتند. همچنین در نهضت‌های عدالت‌خواهی اقوام نژادپرست گاهی هرگونه حق انسانی از سایر نژادها سلب می‌شد، در حالی که در حکومت عدالت‌محور و حق‌مدار حتی جانوران نیز تحت پوشش رفتار و منش عادلانه قرار می‌گیرند. بنابراین، امکان‌پذیری تحقق عدالت فراگیر و همه‌گیر از دستاوردها و آثار دیگر سنت نبوی و حکومت علوی است (همان؛ ۲۸۱).

با مطالعه نهج‌البلاغه خواهیم دید که امام علی (ع) به حکومت و عدالت حساسیت خاصی دارد و اهمیت و ارزش فراوانی برای آن قائل است. حکومت را راهی برای برقراری عدالت، احقاق حق، و خدمت به اجتماع می‌داند. اسلام فقط برقراری عدالت را توصیه و یا فقط به اجرای آن قناعت نکرده است؛ بلکه هدف اصلی بالابردن ارزش عدالت است. بهتر است این مطلب را از زبان امام علی (ع) در نهج‌البلاغه بشنویم. فردی از امام سؤال می‌کند: عدالت شریف‌تر و بالاتر است یا بخشندگی؟ ایشان جواب می‌دهد: عدل از جود بالاتر است. از نظر امام آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند، رضایت همه را تأمین کند، و به پیکر اجتماع سلامت و به روح آن آرامش بخشد، عدالت است. عدالت بزرگ‌راهی عمومی است که می‌تواند همه را در خود جای دهد و بدون مشکلی عبور دهد؛ اما ظلم و جور کوره‌راهی است که حتی ستم‌گر را به مقصد نمی‌رساند (مطهری، ۱۳۸۲: بخش چهارم). امام علی (ع) درباره عدل و انصاف به مالک اشتر می‌فرماید: «با خدا و با مردم، و با خویشاوندان نزدیک، و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی ستم روا داشتی» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ ب: نامه ۵۳).

۱.۱. امید به امکان‌پذیری تحقق جامعه عدل

به نظر پورعزت عجیب است که به طور فراگیر سخن از امکان‌ناپذیری تحقق جامعه عدل به میان می‌آید، در حالی که امکان‌پذیری این حکومت حجت تاریخی دارد.

در طی تاریخ بسیاری از الگوهای حکومتی طرف‌دارانی یافته‌اند و منابعی را برای تحقق خود جذب کرده‌اند و تلاش‌های وسیعی را برانگیخته‌اند، بدون این‌که نمونه تاریخی موفق داشته باشند، در حالی که حکومت علوی با الگوگیری از سنت نبوی، خود به الگوی عملی و شاهد امکان‌پذیری تحقق حکومت عدل تبدیل شده است. مثلاً سوسیالیسم قرن بیستم بدون ارائه الگوی موفق تاریخی سرنوشت عده زیادی از انسان‌ها را دگرگون ساخت؛ اما به امکان‌ناپذیری متهم نشد تا این‌که سرانجام، به دلیل نادرستی مفروضات، به شکست رهنمون شد. سوسیالیسم هرگز نتوانست به اصول ادعایی خود تحقق بخشد، در حالی که حکومت علوی همه آن‌چه را بر عهده گرفته بود، محقق ساخت. عمر حکومت‌های سوسیالیستی طولانی بود، اما هرگز به اهداف خود دست نیافتند؛ در حالی که حکومت علوی در عمر کوتاه خود، جز بر طریق مورد ادعای خود رفتار نکرد و همواره بر صراط خود باقی ماند.

با وجود در دسترس داشتن حداقل یک نمونه موفق تاریخی که در آن صرفاً از توان‌مندی‌ها و ابزار عادی بشر در حکم‌رانی استفاده شده است، بدون آزمودن متهم به امکان‌ناپذیری می‌شود؛ در حالی که تحقق حکومت علوی، در یکی از دشوارترین فرازهای تاریخی، بر امکان‌پذیری و قابلیت تسری به رفتار عدالت‌منشانه حکومت‌ها، به‌ویژه در دوره‌های صلح و آرامش، دلالت دارد (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۸۲). به بیان دیگر حکومت ایشان به عنوان یک مدل موفق از حکومت‌های عدل‌محور امید به امکان تحقق جامعه عادل در جهان را افزایش می‌دهد و آن را دست‌یافتنی‌تر می‌کند.

۱.۲. توجه به افکار عمومی

امروزه انتخابات در رژیم‌های دموکراتیک درحقیقت مهم‌ترین وسیله انعکاس افکار عمومی و خواست‌ها و ترجیحات مردم است و شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها، و باورهای عموم مردم است. در دموکراسی فرض بر این است که افکار عمومی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیر می‌گذارد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۴۰۹).

چارلز کولی افکار عمومی را حاصل جمع داوری‌های جداگانه افراد نمی‌داند، بلکه آن را پدیده‌های سازمان‌یافته محصول ارتباطات و آثار متقابل معرفی می‌کند (کولی، ۱۳۴۳: ۱۲۳). همچنین افکار عمومی در دیدگاه آلفرد سووی عبارت است از ضمیر باطنی ملت که غالباً گمنام به نظر می‌آید، لکن به منزله نیروی سیاسی‌ای تلقی می‌شود که در هیچ قانون اساسی‌ای پیش‌بینی نشده است (سووی، ۱۳۵۴: ۱۰). به طور کلی افکار عمومی از طریق رأی‌دادن، رفتارندوم، تماس مردم با مقامات و مسئولان حکومتی، مطبوعات و رسانه‌ها، عضویت در احزاب و غیره انعکاس می‌یابد.

امام علی (ع) برای افکار عمومی و نقطه‌نظرات مردم احترام و ارزش قائل است و به آن‌ها بها می‌دهد و اجباراً مردم را به کاری وانمی‌داشت، مگر آن‌که مردم خود نسبت به آن تمایل داشته باشند؛ چنان‌که در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر می‌فرماید:

بدان ای مالک تو را اعزام داشتم به سوی منطقه‌ای که در آن‌جا حکومت‌های متعددی پیش از تو عادلانه و یا ستم‌گرانه حکمرانی نموده‌اند و مردم دقت می‌کنند در رفتار تو همانند توجه و دقت تو در رفتار حکمرانان پیش از خودت و آن‌چه را که تو درباره آنان گفتی و یا انتظار داشتی، دیگران نیز از تو دارند و یا درباره تو می‌گویند (فوجانی، ۱۳۷۴: ۹۹).

امام معتقد است خلیفه یا کارگزار زمانی می‌تواند اعمال حاکمیت داشته باشد که مردم آن را بپذیرند. در این زمینه نیز آن حضرت می‌فرماید: «آن کس که مردم فرمانش را اجرا نکنند، کاری از دستش بر نمی‌آید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ ب: خطبه ۲۷).

بنابراین، ملاک و معیار اداره جامعه رأی مردم است و بر این اساس است که رأی مردم سبب مشروعیت حکومت و اعمال حاکمیت می‌شود (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۸۷).

آن حضرت تا بدان‌جا برای مردم احترام قائل است که هرگز آنان را امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند، مگر این‌که قبلاً خود آن را انجام داده باشد و در این مورد نیز می‌فرماید:

ای مردم، سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم، مگر آن‌که پیش از آن خود عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم، جز آن‌که پیش از آن ترک گفته‌ام (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ ب: خطبه ۱۷۵).

همچنین امام علی (ع) به کارگزاران خود توصیه می‌کند که در میان مردم و با مردم باشند، تا آنان را بهتر درک کنند و نیازهایشان را بهتر بشناسند:

هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه است. نهان‌شدن از مردم، زمام‌دار را از دانستن آن‌چه بر آنان

پوشیده است باز می‌دارد. پس کار بزرگ اندک و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ب: نامه ۵۳).

۱۳. تحول ماهیت دولت در انظار عامه

حکومت و دولت پدیده‌ای نوظهور نبود، اما دولت در نگاه امام یک روی به حق و یک روی به خلق داشت. در دولت ایشان فاصله‌ای میان پیشوای مردم و عامه مردم نبود. دولت در این دوره ماهیتی الهی و مردمی پیدا کرد، یعنی با معیارهای الهی و با خواست و استقبال مردم شکل گرفت و با مشارکت فعال آنان استمرار یافت. امام با وجود مشروعیت الهی ناشی از انتصاب غدیر، تا هنگام اقبال عامه مردم، خانه‌نشینی اختیار کرد و پس از استقبال مردم جز بر اساس حکم خدا رفتار نکرد و هدفی را جز اجرای عدالت مد نظر قرار نداد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰ الف: ۹۲-۱۰۵).

امام علی (ع) خطاب به مردم کوفه (این خطاب به همه مسلمانان بود) می‌فرماید: درباره استفاده از بیت‌المال به شما بگویم که، تا یک نخل خرما از مال خود در یثرب داشته باشم از بیت‌المال شما به ازای حقوق خود چیزی بر نمی‌دارم. می‌بینید امروز که وارد کوفه می‌شوم، یک شتر دارم و این بار و بنه من است. روزی که می‌خواهم از این جا بروم نیز ببینید اگر بیش‌تر از این شتر و این بار شتر از این جا ببرم، شما خیانت کرده‌ام. من اکنون مسئول اداره کشور هستم و انجام دادن مسئولیت‌م را وظیفه خود می‌دانم و آن را برای گرفتن حقوق انجام نمی‌دهم (حمیدی، ۱۳۸۰: ۸۰). این نگاه امام به حکومت و دولت است. ایشان به حکومت به‌منزله‌ای برای رسیدن به مال و ثروت به‌وسیله استعمار دیگران نمی‌نگرد، بلکه به آن به‌مثابه وسیله‌ای برای خدمت به عامه مردم می‌نگریسته است. بنابراین، از منظر ایشان، و به‌طور کلی نظام سیاسی، در اسلام دولت و ملت در هم تنیده شده‌اند.

۱۴. تعیین ملاک‌های شایسته‌سالاری در گزینش کارگزاران

امروزه بر هیچ‌کس پوشیده نیست که مناصب دولتی باید صرفاً بر حسب شایستگی افراد به آن‌ها واگذار شود، چراکه اگر افراد ناشایست در رأس امور قرار بگیرند، علاوه‌بر این‌که جامعه به‌سرعت در مسیر اضمحلال و نابودی قرار می‌گیرد، روحیه افراد توانمند و شایسته نیز تضعیف می‌شود و رفته‌رفته خردگریزی و خردستیزی در جامعه حاکم می‌شود. همچنین از آن‌جا که افراد جامعه حقوق و جایگاه برابری دارند، فقط با توجه به توانمندی‌ها و

صلاحیت‌های اضافی، اعم از اخلاقی و فنی و علمی، است که آنان را نسبت به سایرین شایسته دریافت منصب می‌سازد. به طور کلی در هر حکومتی ملاک‌هایی برای گزینش نیروهای اداری وجود دارد. در حکومت امام تأکید بر آن بود که کارگزاران باید این ویژگی‌ها را داشته باشند: ۱. عقل و خرد و درایت، ۲. علم، ۳. عدالت، ۴. توانایی و صلاحیت تخصصی، ۵. پرهیزگاری و زهد، ۶. مردم‌داری، ۷. با مردم بودن، ۸. صراحت و صداقت (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰ الف: ۸۹-۱۲۷) و همچنین، ۱. سعۀ صدر، ۲. اصالت خانوادگی و دودمان صالح، ۳. حسن سابقه، ۴. شجاعت، ۵. بلندمندی، ۶. پوزش‌پذیری، ۷. مهربانی با مستضعفان و قاطعیت با قدرت‌مندان، ۸. مسئولیت‌پذیری با جان و دل، ۹. اخلاق فاضله داشتن، ۱۰. صراحت لهجه در حق‌گویی (قوچانی، ۱۳۷۴: ۱۳۳-۱۴۳) و مهم‌تر از همه این‌که امام علی (ع) تأکید دارد که کارگزاران باید افرادی منصف باشند و اعتدال را رعایت کنند. در نامه ۱۹ نهج‌البلاغه، که آن حضرت به عمر بن سلمه ارحبی، که در فارس حکومت می‌کرد، نوشت:

همانا دهقانان مرکز فرمان‌داریات از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگ‌دلی تو شکایت کردند. من درباره آنان اندیشیدم؛ نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، زیرا که مشرکند و نه سزاوار قساوت و سنگ‌دلی و بدرفتاری، زیرا که با ما هم‌پیمانند. پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی را به هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک کردن یا دوری رعایت کن (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ ب: نامه ۱۹).

تأکید بر شایسته‌سالاری در این حکومت به‌حدی بود که نظام قبیله‌ای را، که به‌نوعی مبنای نظام سیاسی جامعه عرب پیش از اسلام تلقی می‌شد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ ج: ۷۰-۱۶۶)، به‌شدت نفی می‌کرد.

۱۵. رویکرد سیستمی به اداره امور

هر حکومتی نوعی سیستم اداری نیاز دارد تا امکان اجرای امور و تحقق اهداف حاکمان را فراهم آورد. سیستم اداری حکومت امام (ع) ویژگی‌های مشخصی داشت که گاهی آن را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌کرد. مثلاً علاوه بر حساب‌کشی شدید از کارگزاران، مختصاتی چون تأکید مضاعف بر شایسته‌سالاری و گزینش افراد فرهیخته، باآبرو، پاک‌سرشت، دین‌دار، کارآمد و اثربخش، متمایز ساختن انواع صفات متناسب با انواع منصب‌های اداری، (نظیر افسران ارشد، قاضیان، دبیران و کاتبان)، تأکید بر ضرورت

آموزش کارگزاران، تأمین زندگی آنان، نظارت و بازرسی مستمر و حساب‌پس‌دهی و حساب‌رسی آنان، ارزش‌یابی مستمر آن‌ها بر اساس معیارهای معین و در صورت نیاز اقدام صریح برای تشویق یا تنبیه آنان، رعایت حرمت ارباب‌رجوع، و تأکید بر دقت و سرعت در اجرای امور از ویژگی‌های اصلی سیستم اداری حکومت امام علی (ع) به‌شمار می‌آیند. در میان این ویژگی‌ها روش حساب‌پس‌دهی و حساب‌کشی امام از کارگزاران، حکومت ایشان را از بسیاری حکومت‌های آن زمان متمایز می‌ساخت (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰ الف: ۳۶۹-۵۱۴). این ویژگی سیستم اداری امام علی (ع) به‌حدی مهم است که باید جداگانه به آن پرداخته شود. همچنین تأکید ویژه امام (ع) به اصول امانت‌داری، خدمت‌گزاری، مسئولیت‌پذیری، پیگیری، مهرورزی، خوش‌رفتاری، نفی استبداد، بردباری و نظایر آن، شیوه اداره امور در این حکومت را تا حد زیادی از سایر حکومت‌ها متمایز می‌سازد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ الف: ۱۸۳-۲۲۲).

۱۶. حساب‌پس‌دهی در سلسله‌مراتب اداری

در سایر حکومت‌ها نیز سلسله‌مراتبی برای پاسخ‌گویی در نظر گرفته می‌شود، اما بیش‌ترین دغدغه حاکمان آن است که کارگزاران از چهارچوب دستورها و خواسته‌های مافوق تخلف نکنند.

در حکومت امام نیز سلسله‌مراتب ویژه‌ای برای پاسخ‌گویی در نظر گرفته شد، اما در این سلسله‌مراتب تأکید بر آن بود که هیچ خیانتی در حق مردم واقع نشود و کارگزار حکومت با سعه صدر، عدالت، مساوات، مدارا، میانه‌روی و اعتدال، حق‌گرایی، انضباط، نفی سلطه و برتری‌جویی و خودکامگی، پای‌بندی به عهد و پیمان، پرهیز از شتاب‌زدگی و نیز پرهیز از سستی، مشاوره با اهل فن، آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی به اداره امور بپردازد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰ الف: ۲۳۸-۳۵۳).

مواضع پاسخ‌گویی و حساب‌پس‌دهی روشن بود و وظیفه کارگزاران طی عهدنامه‌های عمومی و ویژه مشخص می‌شد و بهانه‌ای برای خلف وعده و فروگذاردن پیمان باقی نمی‌ماند. این حد از دقت و نظم در اداره سلسله‌مراتب پاسخ‌گویی و در نظر گرفتن سیستم اطلاعاتی وسیع و پیچیده برای مهار ساختن کارگزاران، به‌ویژه برای رعایت حال عامه مردم تنگ‌دست و درمانده، از ویژگی‌های متمایزکننده حکومت امام (ع) از سایر حکومت‌های آن زمان بود.

همچنین نکته درخور توجه برای تمام مسئولان از رده‌های بالا تا پایین این است که مسئول در رأس، اعم از وزیر و معاون و مدیر کل و ...، باید پاسخ‌گوی رفتار و کردار منفی کارگزاران تحت امر خود باشد و این چنین نیست که در پاسخ مدعی شود عیب و نقص از او نبوده و مربوط به کارگزار اوست. علاوه بر لزوم پاسخ‌گویی خود کارگزار مقصر، باید مدیر و مسئول در رأس پاسخ‌گوی کوتاهی‌های کارگزاران باشد و عیب و اشتباه آنان گریبان‌گیر وی نیز خواهد بود. یکی از پیامدهای سازمان‌دهی نامطلوب و مهره‌چینی‌های ناصحیح سنگینی وظایف مسئول در رأس است و چه بسا مدیر فرد شایسته‌ای باشد و افراد تحت امر بر اثر جهل و ناتوانی و یا بی‌توجهی و عدم احساس مسئولیت در کارها اخلال کنند و عرصه را بر مسئول تنگ و وی را گرفتار مشکلات فراوانی کنند (قوچانی، ۱۳۷۴: ۹۱).

۱۷. نگاه به حکومت به منزله وسیله‌ای برای خدمت

بنا بر اندیشه امام علی (ع) حکومت امانتی است که به حکمرانان و کارگزاران سپرده شده است و آنان وظیفه دارند به دور از هرگونه تکلیف و تصنع خود را خدمت‌گزار مردم و برای مردم بدانند «شما خزانه‌داران مردم، نمایندگان امت، و سفیران رهبر هستید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ الف: نامه ۵۳) و نیز «مردم خانواده و عیال خدایند، پس محبوب‌ترین مردمان نزد خدا کسانی‌اند که به عیال خدا خدمت کنند و سود برسانند» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۶۴). نگاه امام علی (ع) به حکومت نگاهی متفاوت از نگاه متداول سایر حکومت‌هاست. از منظر ایشان حکومت راهی است برای خدمت به آحاد جامعه و در خدمت مردم بودن را وظیفه می‌داند. بسیاری از حکومت‌ها بر ضرورت تلاش برای تأمین امنیت تأکید دارند و برای تأمین رفاه نسبی آحاد جامعه خود تلاش می‌کنند، اما حکومت حق‌مدار همه این‌ها را وسیله‌ای برای رشد و بلوغ جامعه می‌داند.

از این رو، در حکومت امام (ع) علاوه بر امنیت و رفاه بر آگاهی و تربیت آحاد جامعه نیز تأکید می‌شود و حکومت صرفاً به‌مثابه ابزاری برای تأمین عدالت از طریق توسعه امنیت و رفاه و آگاهی در گستره اجتماع تلقی می‌شود. به همین دلیل در حکومت حق‌مدار نوع نگاه به مردم، وظایف حکومت در برابر مردم، و شرایط زمام‌داران و سلوک آنان به گونه‌ای است که همواره خدمت به جامعه سرلوحه برنامه‌های حکومت قرار گیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ ب: ۸۱-۱۱۱) و موقعیت تحقق خواسته‌های مردم و زمینه رشد و توسعه توان‌مندی‌های آنان فراهم و حقوق متقابل مردم رعایت شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰ ب: ۳۲۳).

۱۸. نتیجه گیری

به طور کلی می توان دستاوردها و پیامدهای حکومت علوی را به دو دسته تقسیم کرد: ۱. پیامدهای بدیع (خاص) و ۲. پیامدهای تکاملی.

در تحلیل آثار و پیامدهای بدیع باید گفت که این گونه رفتار احتمالاً فقط در رفتار حکومتی انبیا و اولیای خدا سابقه داشته است که نوعی نوآوری را در آن‌ها شاهدیم، به گونه‌ای که می‌توانند برای کل جامعه بشری امکان احیا و کاربرد داشته باشند. پیرامون آثار و پیامدهای تکاملی نیز باید گفت که مشابه این‌گونه رفتار در سایر دولت‌مردان و حکمرانان نیز سابقه داشته است، اما در حکومت علوی تا حد زیادی توسعه و تکامل یافته‌اند و به بیانی در این دوره به بهترین شکل مطرح و بیان شده‌اند. با تأمل در این پیامدها و آثار ملاحظه می‌شود که نقش این حکومت از معرفی الگو نیز فراتر رفته است، تا جایی که متون و ادبیات علم سیاست و حکومت‌داری را دچار تحول و تغییرات اساسی کرده است. به هر حال، این حکومت تأثیر فراوان و شگرفی در تغییر دیدگاه‌ها در میان نخبگان سیاسی و حتی عامه مردم نسبت به حکومت و ضرورت آن، تلقی آن‌ها از وظایف حکومت و مسئولیت‌های آن در برابر جامعه، و مراتب صلاحیت‌های آن برای مداخله در امور اجتماعی بر جای گذارده است. اصولاً هدف از برقراری حکومت در جامعه رعایت عدالت در سایه امنیت و رفاه اجتماعی است به طوری که مردم از حقوق برابر بهره‌مند شوند. حکومت باید تلاش کند که سطح فرهنگ جامعه را ارتقا دهد و زمینه تربیت و آموزش و پرورش مردم را به طور صحیح فراهم کند.

از سوی دیگر بسیاری از مسائل مطرح شده در دهه‌های اخیر مانند صراحت، سنت پاسخ‌گویی و حساب‌پس‌دهی، برابری و عدالت، حاکمیت عامه و قانون، آزادی عقیده، مشارکت سیاسی عامه، انتخابات آزاد، شایسته‌سالاری، حقوق بشر و غیره در دوره کوتاه حکومتی امام مطرح، توسعه، و بسط داده شده‌اند و برای مسلمانان مسائل جدیدی نیستند و برای اولین بار در دوره حکومتی امام علی (ع) نمود یافته‌اند و سیر تکاملی آن‌ها را از آن دوره تا به امروز در مکتوبات جامعه‌شناسان اسلامی و این اواخر در مکتوبات اندیشمندان غربی می‌توان یافت و مشاهده کرد، اگرچه بسیاری از یافته‌ها و اندیشه‌های اندیشمندان اسلامی بدون سند در میان غربیان رواج یافته است.

منابع

- ابن اثیر (۱۳۸۵ ش). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ارسطو (بی تا). سیاست، ترجمه احمد آرام، بی جا: بی نا.
- بشیری، حسین (۱۳۸۲ ش). *آموزش دانش سیاسی ۱ و ۲*، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷ ش). *مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی (ع)*، تهران: علمی و فرهنگی.
- جرداق، جرج (۱۳۸۷ ش). *امام علی (ع) صدای عدالت انسانی*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، قم: چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹ ش). *حکمت اصول سیاسی اسلام*، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- جونز، و. ت. (۱۳۶۲ ش). *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه علی رامین، تهران: امیرکبیر.
- حمیدی، حبیب الله (۱۳۸۰ ش). *امام علی در بیان هاشمی رفسنجانی*، تهران: فرهنگ آوران.
- درخشه، جلال (۱۳۷۸ ش). *مواضع سیاسی حضرت علی (ع) در قبال مخالفین*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ ش الف). *از یاب امانت، اخلاق اداری در نهج البلاغه*، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ ش ب). *حکومت حکمت، حکومت در نهج البلاغه*، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ ش ج). *میراث زبده، تحلیلی بر روایات سقیفه*، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰ ش الف). *دولت آفتاب، اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع)*، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰ ش ب). *رهزنان دین، آسیب شناسی دین و دین داری در نهج البلاغه*، تهران: دریا.
- رهر، محمدتقی (۱۳۶۴ ش). *درس های سیاسی از نهج البلاغه*، تهران: امیرکبیر.
- سووی، آلفرد (۱۳۵۴ ش). *افکار عمومی و اثر آن بر زندگی اجتماعی*، ترجمه جمال شمیرانی، تهران: فرانکلین.
- شاکری، محمدرضا (۱۳۸۴ ش). *علی (ع) در اوج سیاست*، تهران: نشر ایدون.
- طه حسین (۱۳۳۲ ش). *علی (ع) و دو فرزند بزرگوارش*، ترجمه احمد آرام، تهران: علی اکبر علمی.
- قوچانی، محمود (۱۳۷۴ ش). *فرمان حکومتی: پیرامون مدیریت شرح عهدنامه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) به مالک اشتر*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ ش). *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کولی، چارلز (۱۳۴۳ ش). *ارگان های اجتماعی*، ترجمه بهرام حسینی، تهران: فرخ.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲ ش). *سیری در نهج البلاغه*، تهران: صدرا.
- نهج البلاغه* (۱۳۷۹ ش الف). گردآوری سیدشریف رضی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد نهج البلاغه و دفتر نشر تبلیغات اسلامی.
- نهج البلاغه* (۱۳۷۹ ش ب). گردآوری شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشرقین.
- نهج البلاغه* (۱۳۸۰ ش). گردآوری شریف رضی، ترجمه محمدتقی جعفری، به اهتمام علی جعفری، تهران: مؤسسه تدوین و آثار علامه جعفری و دفتر نشر فرهنگ اسلامی.